



## فرمان مظفری برای شمس‌الحکماء\*

علی مصریان (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

فرمان‌های سلطنتی، در پژوهش‌های دقیق تاریخی و سندشناختی، در ردیف منابع معتبر و قابل استناد جای دارند. از دیدگاه تاریخی، اهمیت خاص فرمان‌ها از آن جهت است که این اسناد مؤثق و عاری از هرگونه ابهام و تحریف‌اند و از هر نوشته اصیل تاریخی دیگر معتبرتر و مطمئن‌ترند.

فرمان، به معنای اصطلاحی آن، نوشته‌ای است که، در آن، از جانب پادشاه یا دولتمردی سِمَت یا مواجهی برای کسی معین می‌شود (← لغت‌نامه دهخدا، ذیل فرمان). در اصطلاح دیوانی و سندشناسی، فرمان بر اسنادی دیوانی اطلاق می‌شد که اوامر و مصوبات شاه را دربر داشته و به مهر و طغرای او رسیده باشد. در عصر غزنویان و سلجوقیان، حکم یا امر مکتوب شاه را فرمان می‌خواندند. در عصر خوارزمشاهیان، لفظ فرمان به همان معنای عام به کار می‌رفت. در عصر صفوی، این لفظ بر امر مکتوب شاه، به نشانه ادای احترام دلالت داشت. از زمان نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق) به بعد، رفته‌رفته اصطلاح فرمان رسمیت یافت تا در دوران قاجار که برای حکم و دستور مکتوب شاه به کار می‌رفت.

---

\* این فرمان از اوایل دهه پنجاه شمسی در مجموعه خصوصی پدرم، زنده‌یاد حسن مصریان، محفوظ است.

فرمان‌های قاجاری دو دسته‌اند. مضمون دسته اول اعطای لقب و واگذاری مناصب و مشاغل بوده که بر آنها طغرا می‌کشیدند و، پس از مهمور شدن به مَهر سلطنتی، به توشیح (صَحّه) شاه می‌رسیده است. دسته دوم فرمان خطابی خوانده می‌شدند و متضمّن راهکار و سفارش و رهنمود بودند و طغرا نداشتند. (← قائم‌مقامی، ص ۴۴-۴۷)

فرمانی که در این مقاله، برای نخستین بار، معرفی می‌شود از دسته اول است. این فرمان، در سال ۱۳۱۷ق، به دستور مظفّرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) و به استدعای حکیم‌الملک<sup>۱</sup> و تصویب میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان<sup>۲</sup> صدراعظم وقت، صادر شده است.

به موجب این سند دیوانی، میرزا علیخان لعلی (حکیم لعلی) (۱۲۵۲-۱۳۲۵ق) به لقب شمس‌الحکماء ملقب و، با تعیین مواجب، به مقام طبیب خاصه شاه (طبیب حضور مبارک) منصوب می‌شود. این فرمان شمسه‌دار مهمور به مَهر مُذَهَّب دربار مظفّری، مُرَقَّم

(۱) میرزا محمودخان بروجردی ملقب به حکیم‌الملک (۱۲۷۵-۱۳۲۱ق)، فرزند میرزا علینقی حکیم‌باشی اصفهانی و عموی ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) (۱۲۸۸-۱۳۷۹ق / ۱۳۳۸ش) است. وی در بروجرد متولد شد. پس از فراگیری علوم مقدّماتی و زبان فرانسه، در دارالفنون نزد دکتر تولوزان (Tholozan) فرانسوی (۱۸۲۰-۱۸۹۷)، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه، طبّ و جراحی آموخت. در سال ۱۳۰۳ق، به سبب اطمینان مظفّرالدین میرزای ولیعهد در تبریز درآمد و، در سال ۱۳۰۴ق، به مشیرالحکماء ملقب شد. پس از به سلطنت رسیدن مظفّرالدین شاه پزشک مخصوص و محبوب او شد و لقب حکیم‌الملک یافت. در نخستین سفر مظفّرالدین شاه به فرنگ، همراه او بود و، در سوء قصدی به جان شاه در پاریس، جان او را نجات داد. وزارت ابنیه (۱۳۱۴ق)، وزارت مسکوکات و دارالصّرب (۱۳۱۶ق)، ریاست «حفظ‌الصّحة» (بهداشت) ایران (۱۳۱۶ق)، وزارت دربار (۱۳۱۷ق)، و ریاست کل اطمینان دربار مظفّری (رئیس‌الاطباء) مناصب او بود. حکیم‌الملک آنگلوپیل anglophile (هواخواه انگلیس) بود و با امین‌السلطان صدر اعظم، که هوادار روس بود، رقابت داشت. سرانجام امین‌السلطان، با حمایت و دخالت روس‌ها، او را از وزارت دربار عزل و راهی حکومت گیلان کرد. از حکومت او در گیلان دو ماهی نگذشته بود که، در ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۱ (۲۳ مرداد ۱۲۸۲)، در رشت درگذشت و شایعاتی مُشعّر بر دست داشتن امین‌السلطان در مرگ او بر سر زبان‌ها افتاد. (← بامداد، ج ۴، ص ۳۵-۳۸؛ ابراهیمی، ص ۲۴۵-۲۴۷؛ چرچیل، ص ۶۸-۶۹؛ سپهر، ص ۲۴۰، ۲۹۷، ۵۲۱، ۶۶۲؛ برای اطلاعات بیشتر ← ساسانی، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴)

(۲) میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان اتابک اعظم (۱۲۷۴ یا ۱۲۷۵-۱۳۲۵ق)، پسر دوم آقا ابراهیم امین‌السلطان (وفات: ۱۳۰۰ق)، در دوران ناصرالدین شاه و مظفّرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار صدر اعظم بود. امین‌السلطان از چهره‌های پرنفوذ و مؤثر عصر قاجار است. او، روز شنبه ۲۱ رجب شب‌هنگام، در حال خروج از مجلس شورای ملی، ترور شد و جان باخت. (← بامداد، ج ۲، ص ۳۸۷-۴۲۵؛ چرچیل، ص ۱۴-۱۶)

به طغرای شاه، موشح به توشیح مُدَهَّب مظفّرالدین شاه و دارای سجّلات ظهّر فرمان و، علاوه بر اعتبار تاریخی و اهمّیت سندشناختی و ارزش ادبی، در شمار موادّ نفیس هنری عصر قاجار است.

### آشنایی با حکیم لعلی (شمس‌الحکماء)

میرزا علیخان، متخلّص به «لعلی» و ملقّب به شمس‌الحکماء تبریزی و معروف به حکیم لعلی (۱۲۵۲-۱۳۲۵ق) طبیب و شاعر دوزبانه عهد ناصری و مظفّری، در ایروان متولّد شد. بیست‌ساله بود که، برای خلاصی از دست روس‌ها که به تازگی بر ایروان و نخجوان تسلّط یافته بودند، همراه پدرش حاجی آقا میرزای ایروانی، به تبریز آمد و به کسب و کار مشغول شد. در تبریز، به تحصیل علوم مقدّماتی اشتغال یافت. پس از فوت پدر، تجارت را کنار نهاد و به فراگیری علم طبّ روی آورد. ابتدا نزد میرزا ابوالحسن حکیم‌باشی طبّ آموخت. سپس، برای آشنایی با طبّ جدید، به استانبول رفت و تحصیلات پزشکی خود را در آنجا ادامه داد. پس از آن، به تبریز بازگشت و، در کوی راسته کوچه و محلّی معروف به دیکباشی، به طبابت پرداخت. اکنون که شهرتی یافته بود، در تبریز ولیعهدنشین، طبیب مخصوص مظفّرالدین میرزای ولیعهد (ولایتعهدی: ۱۲۷۸-۱۳۱۳ق) گردید. وی، پس از چندی، راهی طهران شد و، در پرتو کمالات علمی و ذوق ادبی، آوازه‌اش بالا گرفت و با وزراء و درباریان همنشین شد و به دربار ناصری راه یافت. در همین زمان بود که، در سومین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ (۱۲ شعبان ۱۳۰۶ - ۲۴ صفر ۱۳۰۷)، در التزام شاه، به اروپا رفت. علاوه بر آن، برای اجرای مأموریت‌هایی رسمی، به روسیه و مصر و استانبول سفر کرد. همچنین، در سال ۱۳۱۴ق، سفری زیارتی به عراق کرد. در اوایل سلطنت مظفّرالدین شاه، به طهران آمد و طبیب مخصوص شاه شد و، با فرمانی از جانب شاه، به لقب شمس‌الحکماء ملقّب گردید. او، در سومین سفر مظفّرالدین شاه به فرنگ (اول ربیع‌الاول ۱۳۲۳ - ۱۴ رجب ۱۳۲۳) نیز، از همراهان شاه بود. شمس‌الحکماء، که در اواخر عمر بیمار بود، برای مداوا به تغلیس رفت و همان‌جا مقیم شد. او، در این ایام، دو بار به تبریز آمد: یک بار به سال ۱۳۲۲ق در زمان درگیری ارامنه و مسلمانان قفقاز؛ بار دیگر در سال ۱۳۲۴ق به هنگام تحصّن جمعی از پیشوایان آزادیخواه تبریز در کنسولگری

انگلیس. لعلی، طی همین دو اقامت کوتاه در تبریز، به همفکری با مردم و تشویق آنان به مشروطه‌خواهی روی آورد. وی، هنگام بازگشت به تفلیس، درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

حاج محمدآقا نخبجوانی (۱۲۹۷-۱۳۸۲ ق، ۱۲۵۸/۹-۱۳۴۱ ش)، از فرهیختگان آذربایجان و خواهرزاده حکیم لعلی، ماده تاریخ وفات او را چنین سروده است:

چو پرسند از سال تاریخ فوتش «بسوی جنان گوران گشت لعلی» (۱۳۲۵)

(← مدرّس، ص ۱۳۹-۱۴۸)

لعلی طبع روان و قریحه شعری ممتازی داشت. اشعارش نغز و مضامین اشعارش بکر بود. حاضر جواب و بذله گو بود. او، که نامش علی و تخلصش لعلی و حرفه اش طبابت بود، با استناد به آیه شریفه قرآن<sup>۳</sup> سجع مهرش را «وَإِنَّهُ لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» اختیار کرده بود. وی در این باره سروده است:

تو این پیام متین را ز قول من برسان صبا بگو به حسودان که سست پیمانند  
به طبع شعر مرا خود نه افتخار بود که جمله صاحب طبع سلیم می‌دانند  
مرا به قول خداوند در کلام مجید<sup>۴</sup> (و اینه لعلی حکیم) می‌خوانند

(صفوت، مقدمه کلیات دیوان لعلی، ج ۱، ص ۴)

به قول بامداد، هنوز لطائف طبع و خوش صحبتی لعلی در آذربایجان مثل است. (← لعلی، مقدمه به قلم صفوت؛ بامداد، ج ۲، ص ۳۵۲؛ پورصدری، ص ۵۹۶-۶۰۱؛ نخبجوانی، ص ۳۴-۴۳؛ چرچیل، ص ۱۰۶)

نخبجوانی، در آغاز مقاله خود (ص ۳۴)، لعلی را یکی از نوابغ حکمت و ادب در نیمه دوم قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری معرفی می‌کند. اما لعلی، در شعر، بیشتر درباری بود. دیوان اشعارش مملوّ است از مدح دو پادشاه همروزگارش و تعریف و تمجید از درباریان به مناسبت‌های گوناگون. با آنکه مضامین برخی اشعارش حاکی

(۳) وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ (زُخْرُف: ۴۳)

(۴) این مصرع در روی هر دو جلد کلیات دیوان لعلی همچنین در بالای صفحه ۵ از جلد اول دیوان او «همان به قول خداوند در کلام مجید (و اینه لعلی حکیم) خوانندم» (که قافیه ندارد) و، در دیوان او (ج ۱، ص ۱۰۳)، «مرا به قول خداوند در کلام قدیم» آمده است.

از پایبندی او به اخلاقیات است، در انتقاد از برخی رفتارهای اجتماعی نادرست و رنجش از جهل و خرافه حاکم بر افکار مردم روزگارش، از هجو و هزل و رعایت نکردن عفت کلام باز نمانده است. لعلی، در نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تهنیت علی علیه السلام نیز، قصایدی دارد.

نخجوانی، ضمن شرح احوال خود، می‌نویسد:

خالوی بنده، مرحوم میرزا علی خان شمس‌الحکما متخلص به «لعلی» که از شعرا و ادبای دوره قاجار بود، در مسافرت‌های خود به تبریز، اشعار خود را به من می‌داد و بنده رونوشت آنها را ثبت و ضبط می‌نمودم تا اینکه، چند سال بعد از وفات آن مرحوم، کلیه اشعار و دیوان آن مرحوم را به چاپ دادم. (گلین، ص ۱۵۶)

لعلی به زبان ترکی نیز شعر می‌سرود. مراثی و نوحه‌های ترکی او در جلد دوم کلیاتش آمده است. نمونه‌ای از رباعیات و مفردات او است:

هر دیده که محو طلعت روی تو شد      حیران خط و زلف سمن‌بوی تو شد  
هر سینه که خورد تیر مژگان تو را      مشتاق کمانخانه ابروی تو شد

(لعلی، ج ۱، ص ۱۷۵)

آن را که بود درد گرفتاری تو      کی تاب کند به درد بیماری تو  
بیماری تو مایه مرگ است مرا      حیف است حیات من و بیماری تو

(همان، ص ۱۷۶)

مدتی گفتار بی‌کردار با من داشتی      روزگاری هم بیا کردار بی‌گفتار کن

(همان، ص ۱۸۲)

ذیلاً قطعه‌ای نقل می‌شود که لعلی، در آن، از نرسیدن مقرری و موجب خود به طعنه نزد شاه شکایت برده و مجوز پرداخت موجب او، به احتمال قوی، به موجب همین فرمان صادر شده است:

شاهنشها مها ملکا من مدیحه گو      عمریست دم ز منقبت شاه می‌زنم  
از دولت سر تو جهانی وظیفه‌خوار      هستند و بوده‌اند چه حاجت به گفتنم  
آنان که بی‌وظیفه دعاگوی دولتند      در آسمان ملائکه و در زمین منم

(همان، ص ۱۱۲)

و باز، خطاب به برخی زاهدنماهای روزگارش، به طعنه سروده است:  
ای شیخ ندانم آخر کار تو را از گُندگیِ عمامه افکار تو را  
در حیرتم از بزرگی این دستار زنبور مگر گزیده دستارِ تو را

(همان، ص ۱۳۹)

(برای مطالعهٔ مختصّات ادبی و زبان و محتوای اشعار حکیم لعلی ← پورصدری، ص ۵۹۷-۶۰۱)

### شرح فرمان با حفظ رسم الخط

(تحمیدیّه) بسم الله تعالى شانه العزیز

مُهر دربار مظفّرالدّین شاه + شمسّه

(توحیدیّه) الملک لله

(سجع مُهر) گرفت خاتم شاهی مظفّرالدین شاه

دمید کوکب فتح و ظفر بعون اله

(تاریخ حکّ مُهر، سال قمری) ۱۳۱۴

(طغرای مظفّرالدّین شاه) الملک لله تعالى شانه حکم همیون شد

(متن فرمان و توشیح شاه)

[نیم سطر اوّل] آنکه چوُن مراتب علم و حذاقت جناب فخامت نصاب میرزا علی

شمس‌الحکماء در پیشگاه<sup>۵</sup>

[سطر دوم] حضور آفتاب ظهور همایونی مکشوف افتاده مورد شمول عواطف خسروانه گردید لهذا

بتصویب جنابمستطاب اجل اکرم افخم امجد اشرف قواماً للعزّ والاقبال نظاماً للمجد والاجلال<sup>۶</sup>

[سطر سوم] میرزا علی اصغر خان صدراعظم و استدعای جنابمستطاب اجل اکرم فدوی دولتخواه

۵) توشیح مُذهّب مظفّرالدّین شاه ذیل چند کلمهٔ آخر نیم سطر اوّل (← تصویر فرمان)

۶) مُهر برجستهٔ فشاری کارخانهٔ کاغذسازی مقابل این سطر در حاشیهٔ چپ فرمان آمده است.

(← توصیف فرمان و آرایه‌ها)

حکیم‌الملک وزیر دربار و رئیس اطباء حضور همایونی مشارالیه را در سلک اطباء حضور همایون منسلک فرموده در هذّه السنه مسعوده

[سطر چهارم] سیچقان‌نیل<sup>۷</sup> خجسته‌دلیل و مابعدها مبلغ دو یست تومان نقد بعد از وضع رسوم<sup>۸</sup> بصیغه موجب از محلّ مفصله در حق او برقرار فرمودیم که همه ساله دریافت داشته بمراسم خدمتگذاری بپردازد مقرر آنکه جنابمستطاب اجل اکرم

[سطر پنجم] حکیم‌الملک وزیر دربار مشارالیه [را] در سلک اطباء حضور منسلک دانسته لوازم اینشغل [را] با و مرجوع دارند المقرر جنابان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند تحریراً فی شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۳۱۷

(حاشیه فرمان، وسط، متمایل به پایین)

[سطر اول] مبلغ دو یست تومان نقد روی رسوم<sup>۹</sup> دو عشر از بابت ثلث متوفیات<sup>۱۰</sup> ضبیطی دیوان

(۷) سال موش (اولین سال در سالشمار دوازده‌ساله ترکی) (۸) ← پانوشت ۹  
(۹) در اصطلاح دیوانی دوره غزنوی، رسم در معنی مشاهره [دستمزد ماهانه] و مقرّری و وظیفه به کار می‌رفته (انوری، ص ۲۴۶). همچنین مصدق، در مبحث «تشکیلات مرکزی وزارت مالیه»، (ص ۳۲، ذیل «۱- مستوفیان») چنین آورده است:

مستوفیان کسانی بودند که، طبق فرمان پادشاه، حائز این مقام می‌شدند... و هر یک از آنها معمولاً حقوقی داشت که، در ایام کار و بیکاری، از دولت می‌گرفت و، چنانچه متصدی کاری هم بود، رسوم معمول و متداول آن را از ارباب رجوع دریافت می‌کرد. وی، در ادامه مطلب، حاشیه‌نویسی فرمان را یکی از وظایف چهارگانه مستوفی هر ایالت یا ولایت قید کرده است.

شعبانی (ص ۱۱۲) نیز، در تعریف رسوم می‌نویسد:  
در آن زمان [دوره قاجار]، رشوه‌خواری اسم دیگر داشت. به جای رشوه، رسوم می‌گفتند و پرداخت رسوم امری مرسوم شده بود.

اما، در مجموع، رسوم و جوهی بود که مستوفیان، برای تعجیل و تسهیل انجام کار، در ابتدا پنهانی و با گذشت زمان آشکارا و با مبلغ معین، رسماً از مراجعه‌کنندگان دریافت می‌کردند نظیر آنچه، در گذشته، به قول شعبانی، اسمش کمیسیون بود و امروزه، با مختصر تغییر معنایی، به شیرینی تغییر عنوان یافته است.

(۱۰) مصدق (ص ۳۳)، در مبحث «تشکیلات مرکزی وزارت مالیه»، ذیل «ج - حاشیه‌نویسی فرمان» چنین می‌نویسد:

نظر به اینکه هیچ حقوق یا اضافه حقوقی داده نمی‌شد مگر اینکه قبلاً محلّ آن تعیین شده باشد و محلّ حقوق جدید یا اضافه حقوق معمولاً ثلث متوفیات بود به این طریق که هر کس فوت

### بموجب اینفرمان

[سطر دوم] جهانمطاع مبارک درحق جناب میرزا علی شمس‌الحکماء طبیب حضور مبارک درهذه السنه سیچقان‌ئیل منظور و برقرار شده است علی<sup>۱۱</sup>

(حاشیه فرمان، وسط، متمایل به بالا)

[سطر اول] ازقرار ابلاغ امر همایونی که جناب مستطاب اجل اکرم افخم وزیر دربار<sup>۱۲</sup> اعظم دام اقباله

[سطر دوم] تلگرافاً از میانج<sup>۱۳</sup> بجناب مستطاب اجل وزیر بقایا<sup>۱۴</sup> دام اجلاله نموده و جناب

[سطر سوم] معزی‌الیه درذیل تلگراف بدفترخانه مبارکه ابلاغ نموده‌اند محل فرمان

[سطر چهارم] ازبابت محل‌های ضبطی است مستوفی و برانویس اطباء<sup>۱۵</sup> ابلاغ امر همایونی روحنا

فداه را

[سطر پنجم] ضبط کرده ازهذه السنه و مابعدھا برآه<sup>۱۶</sup> صادر نمایند

(حاشیه فرمان، ذیل جدول فوق)

(مهر برجسته) نشان شیر و خورشید

(عنوان تشکیلات) دفتر استیفای دولت علیّه ایران

→ می‌نمود، اگر وارثی داشت، یک ثلث از حقوق او و الاً تمام آن در اختیار دولت قرار می‌گرفت که به هر کس می‌خواست می‌داد؛ لذا مستوفی هر محل می‌بایست حقوق متوقفاً را، که درکتابچه او به خرج آمده بود، در حاشیه فرمان تصدیق کند و، در ازای این کار، معادل یک چهارم حقوقی [را] که به وراثت متوفا و یا به دیگران داده می‌شد، به عنوان حق الزحمه و فقط برای یک مرتبه، بخواهد. (۱۱) «علی» به خط شکسته یا قلم بسیار ریز در انتهای سطر درج شده که ظاهراً نام صاحب منصب صادرکننده این دستور در دیوان است. تعلق این دست‌نویس به سلطان علیخان، وزیر بقایا، محتمل است. (← پانوشته‌های ۱۴ و ۲۱)

(۱۲) اشاره به حکیم‌الملک (میرزا محمودخان بروجردی) (← پانوشته ۱)

(۱۳) میانه کنونی؛ وزارت تلگراف ممالک محروسه/ سایر ولایات/ خط آذربایجان/ ولایات جزو: میانج و سراب و نمین (نه نفر) تلگرافچی: سه نفر، غلام: سه نفر، فراش: سه نفر (افشار، ص ۴۰۸) و نیز (← لغت‌نامه دهخدا، ذیل میانج). (۱۴) اشاره به سلطان علیخان وزیر بقایا (← پانوشته‌های ۱۱ و ۲۱)

(۱۵) اشاره به میرزا تقی‌خان مستوفی (پانوشته ۲۷ و فقره ۱۶ از «سجلات ظهر فرمان» در پایین)

(۱۶) صورت عربی «برات». (← پایین، شیوه املائی فرمان ذیل عنوان «برخی ملاحظات فنی و زبانی و رسم الخطی»؛ همچنین لغت‌نامه دهخدا، ذیل برات)



### توصیف فرمان و آرایه‌ها

این فرمان<sup>۱۷</sup>، در همان نگاه اول، همچون دیگر فرمان‌های مُذَهَّب و اعلاّی قاجاری، نظر بیننده را جلب می‌کند. شمسۀ مرصّع پُرتالّو و طلائندازی‌های چشم‌نواز آن چنان است که جنبۀ هنری اثر را از ارزش تاریخی و محتوای سندی آن برجسته‌تر ساخته است. در پیشانی فرمان، تحمیدیه زرنگار مظفّری (بسم الله تعالی شأنه العزیز) بیرون از متن فرمان منقّش شده است. نقش مُهر سلطنتی چهارگوش تاجدار مظفّرالدّین شاه به ابعاد ۳۵×۳۵ میلیمتر و تاج ۱۴ میلیمتری با جوهر مشکّی، در صدر فرمان ذیل تحمیدیه، رقم خورده است. توحیدیه «المُلکُ لله» در محلّ تاج مُهر و سجّع شعرگونه مُهر در دو سطر در داخل مُهر به خطّ نستعلیق کم‌نظیری حک شده است. تاریخ قمری حکّ مُهر (۱۳۱۴) نیز در گوشۀ راست زیر سطر دوم آمده است. این مُهر سلطنتی در کانونِ شمسۀ مرصّع هشت‌پری با چهار نیم‌شمسه نشسته که اضلاع آن در حکم وَتَر دایره‌هاست. گل و برگ‌های ظریف و رنگارنگ قرمز و سفید و سبز و لاجوردی، که در زمینه‌ای طلائی با ظرافتی خاص نقش بسته‌اند، جلوه‌ای چشم‌نواز به فرمان بخشیده است. اندازه این شمسۀ ترنج‌گونه، با احتساب شُرفه‌های کوتاه و بلند محیط آن، حدوداً ۱۴×۱۷ سانتیمتر است.

افضل‌الملک (ص ۲۱) درباره سجع این مُهر می‌نویسد:

نقش خاتم مبارک: «الملک لله دمید کوب فتح و ظفر بعون اله گرفت خاتم شاهی مظفّرالدّین شاه» این شعر را میرزا محمّد محیط - شمس - انشاء کرد و، به امر صدارت عظاما، آن را حکاکی کردند. ... میرزا محمّد محیط به شمس العظما لقب یافت و هشتاد تومان قیمت طاقه شال به او دادند و از دولت صد تومان بر مرسومات او افزوده شد که همه ساله به موجب صدور برات از خزانه مبارک دریافت کند. ... تاریخ مُهر مهراثار همایونی «هزار و سیصد و چهارده» است که، به اشاره صدارت عظاما، تاریخ هریک از مُهرهای مبارک را، محض میمنت، از «هزار و سیصد و چهارده» قرار دادند.

نکته آنکه مظفّرالدّین شاه در سال ۱۳۱۳ ق به سلطنت رسید و این تصمیم، برای

۱۷) این فرمان (مورخ ذیحجه ۱۳۱۷ برابر فروردین- اردیبهشت ۱۲۷۹) صد و بیست سال قمری قدمت

حذف عدد نحس ۱۳ به باور آن زمان، از تاریخ جلوس او بوده است. افضل‌الملک، در جای دیگر، می‌گوید:

وقتی که سلطنت به این وجود مبارک [مظفرالدین شاه] رسید، چند تن از شعراء نامی سجع مَهرها ساختند و به حضور بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اکرم آقا میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان صدر اعظم فرستادند تا هرکدام را پسندند بفرماید تا نقش نگین کنند. ایشان این بیت میرزا محمد محیط شاعر قمی را، که از غزلسرایان خوب تهران بود و با من غالباً حشر و نشر داشت و در فن غزل بر جمیع شعرای این زمان مانند شاطر عباس معاصر خود رجحان یافته بود، پسندید و بفرمود تا آن را نقش نگین کردند. و صد تومان نقداً صلّه این یک بیت را به میرزا محمد محیط دادند. و این مَهر مخصوص فرامینِ موجب و القاب و امتیاز اهالی داخله شد. (ص ۳۶۲)

و کمی پیشتر، جایی که مراحل دیوانی صدور فرمان اعطای لقب افضل‌الملکی خود را شرح می‌دهد، حکاک مَهر را، که الحق هنرمندی چیره‌دست بوده، چنین معرفی می‌کند: ... و سجع مَهر شاهانه، به خط میرزا محمدتقی حکاک‌باشی<sup>۱۸</sup>، پسر مرحوم میرزا عبدالرحیم

حکاک‌باشی است؛ که روی بلور سبزی مسطح تاجدار کنده بودند... (همان‌جا)

اولین سطر فرمان به طغرای زرنگار و چشم‌نواز مظفری با سجع «المُلکُ لهُ تعالی شأنه حکم همیون شد» آراسته گردیده است. این طغرا، با رگه‌هایی از مشتقات خط ثلث چون تویق، در محدوده مستطیل افقی، در وضعیت غیرمتقارن با استقرار نوشتاری مستقیم و بافت نامنظم، نگاشته شده است. شباهت زیاد این طغرا با طغرای ناصر می‌رساند که آن به قلم همان طغراکشی است که تا چندی پیش طغرای فرامین ناصر را با آب زر می‌کشیده است. (برای آگاهی از جنبه‌های بصری طغراهای افشار مهاجر و کلهر، ص ۴۹-۵۸)

متن فرمان با مرکب مشکی، به خط شکسته نستعلیق ممتاز و به قلم کاتب دربار مظفری است - شاید یکی از همان کاتبانی که، تا چندی پیش، فرمان‌های ناصر را می‌نگاشته است. نیم سطر اول با فاصله‌ای حدود ۲/۵ سانتیمتر از طغرای آب طلا آغاز

۱۸) میرزا محمدتقی حکاک‌باشی، پسر میرزا عبدالرحیم حکاک‌باشی، که امضای «تقی» داشته، در دربار مظفرالدین شاه به سر می‌برد. بسیاری از مَهرهای شاه و شاهزاده‌ها و وزراء و رجال و اعیان ساخته این حکاک معروف است. (← جدی، ص ۱۷۹)

می‌شود. توشیح مظفّرالدّین شاه با مضمون «صحیح است»، مُدْهَب و مرصّع، در میان بُته‌جَعّه کشیده، در ذیل پایانی همین نیم سطر جای گرفته است. متن فرمان پنج سطر است. فواصل مُدْهَبِ میان سطری، به ترتیب، ۶/۵، ۵، ۳، و ۴ سانتیمتر است. نزدیک به انتهای هر سطر، به شیوه تحریری زیبای مرسوم زمان، کلمات پایانی با انحنایی رو به بالا، به مهارت، بر روی یکدیگر چیده می‌شوند تا، در لابه‌لای گل و بوته‌های اسلیمی و ختائی طلایی‌رنگ، نوعی ترکیب‌بندی دلنشین از خطّ و گل و برگ فراهم آید.

جدول‌کشی از دیگر مشخصه‌های ظاهری این فرمان است. خطوط عمودی طرفین سند، به پهنای ۵ تا ۶ میلیمتر، در پنج رنگ طلایی و قرمز و سبز و مشکی و لاجوردی، متن را از حاشیه جدا کرده است. جدول‌کشی‌های زرّین میان سطری و طولی این سند نظم و تقارنی خاص به فرمان بخشیده که بر استقلال هر مضمون تأکید دارد. حاشیه ۱۱/۵ سانتیمتری راست فرمان فضای کافی برای یادداشت‌ها و تأییدات مستوفیان طی مراحل دیوانی و ثبت فرمان در دفاتر مخصوص را فراهم آورده است. با گردش نود درجه به چپ، در وسط این حاشیه، دو دستخط متفاوت به چشم می‌خورد که، با جدول‌کشی نازک به سه رنگ طلائی و قرمز و مشکی داخل دو مستطیل، محدود و از هم مجزّا شده‌اند. درون جدول ۹×۲/۵ سانتیمتری سمت راست، دو سطر به خطّ شکسته نستعلیق ریز و زیبا نگاشته شده و، در جدول سمت چپ در اندازه ۱۰×۵/۵ سانتیمتر، پنج سطر به خطّ تحریری بسیار ریز اما خوش و ساده نوشته شده است. ذیل همین جدول، دو هلال گیاهی طلائی مُهر برجسته فشاری شیر و خورشید دولتی به اندازه ۲/۵×۲/۵ سانتیمتر را در میان گرفته‌اند و، در زیر آن، به خطّ ثلث، عنوان دفتر استیفای دولت علیّه ایران با نقوش تزئینی زیر آن کمابیش برجسته است. متأسفانه، به مرور زمان، نقش و نوشته این مُهر، در جاهایی، برجستگی خود را از دست داده و فقط، به کمک ذره‌بین، تا حدی قابل مشاهده است. مضمون جدول‌ها تأیید مبلغ مواجب، محل و نحوه پرداخت، و دستور صدور برات بر عهده شمس‌الحکماء است. (← حاشیه فرمان، ذیل «شرح فرمان» در همین مقاله)

در گوشه سمت راست پایین فرمان، بریدگی کج کوچک و نامحسوسی دیده می‌شود که ظاهراً برای رفع نحوست تربیع است. در باور گذشتگان، برای باطل کردن نحوست

تربیع، معمولاً با پاره کردن یا بریدن تکه کوچک و اریب‌مانندی از گوشه سمت راست پایین اسناد، انحراف اندکی در یکی از اضلاع چهارگوش کاغذ پدید می‌آوردند تا صورت منظم مربع یا مستطیل شکل آن نامنظم گردد. علاوه بر آن، در این فرمان، روش دوم باطل کردن شکل تربیع یعنی کج کشیدن خطوط جدول حاشیه سند نیز اعمال شده است بدین ترتیب که خطوط عمودی جدول حاشیه سمت راست فرمان از بالا به پایین اندکی به سمت داخل متمایل است و خط عمودی جدول حاشیه سمت چپ، به همان نسبت، از بالا به پایین به بیرون متمایل است. (برای شرح مفصل درباره «نحوست تربیع» در اسناد ← شیخ‌الحکمایی، ص ۸۵-۹۴)

این فرمان بر روی کاغذ فرنگی (روسی) رقم خورده است.<sup>۱۹</sup> معاینه دقیق نشان می‌دهد که کاغذ فرمان خود متشکل از قطعات کاغذ کوچک‌تری است که با مهارت کنار یکدیگر چسبانده شده‌اند تا ورقی به قطع مناسب برای نگارش فرمان فراهم آید. با کمی دقت، در حاشیه چپ فرمان، با یک گردش نود درجه به راست، در انتهای سطر دوم، مهر برجسته فشاری دو سانتیمتری مؤسسه تولیدکننده کاغذ، به خط سیریلیک و با حروف بزرگ، به چشم می‌خورد (پانوش ۶). متأسفانه، نیمی از نقش این مهر، که نشان تجارتي کارخانه سازنده کاغذ است، در زیر جدول‌کشی و تذهیب پنهان مانده است. آنچه از نوشته این مهر برجسته فشاری نسبتاً نمایان مانده و خوانده می‌شود ТОВАРИЩЕСТВО به معنای «مشارکت» است. این نوشته سیریلیک، در یک سطر قوسی شکل بالای نشانه‌ای به پهنای ۲۰ میلیمتر آمده و، در زیر آن، با حروف درشت‌تر رمزگونه‌ای (N° 6<sup>H</sup>) به چشم می‌خورد که بیانگر مشخصه ساخت یا نوع کاغذ است و، کمی پایین‌تر نیز، در نیم‌دایره‌ای معکوس، که مکمل سطر قوسی شکل بالاست، نوشته‌ای به خط لاتینی دارد که خوانا نیست. طرح زیر نمونه بازسازی شده تقریبی از بخش فوقانی این مهر برجسته است:

۱۹) در دوره مظفّرالدین شاه، در هفت درصد از فرامین و سی درصد از رقم‌ها از این دست، کاغذ روسی به کار می‌رفته است که تاریخ آنها بین سال‌های ۱۸۸۲ تا ۱۸۹۶ بوده است. (← کریمیان و میرزایی پری، مقدمه، ص ۱۳)



نکته آنکه، در ته‌نقش‌های اسناد آرشیوی ایران، همین نوشته سیریلیک بر بالای یک ته‌نقش (watermark) متفاوت با طرح مُهر برجسته فشاری فرمان آمده است. (← کریمیان و میرزایی پری، ص ۳۲۵)

اندازه فرمان بدون حاشیه ۳۵×۴۴ سانتیمتر و ابعاد کل فرمان به طول ۵۷ سانتیمتر و عرض ۳۹ سانتیمتر است. در چند جای کاغذ، به مرور ایام، مختصر پارگی ایجاد شده ولی، خوشبختانه، آسیب چندانی به سند نزده و متن فرمان به وضوح خواناست.

### سجّلات ظهر فرمان

ظهر این فرمان مرسم به طغرا و ممهور به مُهر دیوانیان قاجاری است. به موجب هریک از این سجّلات، سوادبرداری‌ها و صحّت مُفادِ سند گواهی گردیده و کلیّه تشریفات دیوانی مرسوم در جریان صدور و ثبت فرمان اجرا شده است. توضیح آنکه، به منظور مشخص بودن مندرجات ظهر فرمان، در جای جای صفحه‌ای که فرمان بر روی آن الصاق شده درزهایی با بی‌دقتی باز شده و، در نتیجه، قسمت‌هایی از نقش مُهرها و طغراها یا دستینه‌های کارگزاران دیوان در تأیید و تسجیل فرمان زیر آن پنهان مانده است. نقش مُهرها و ظهرنویسی‌ها همه با مرکّب مشکی است. امّا، در حین مُهرگذاری، برخی از مُهرها کم‌رنگ نقش بسته یا مخدوش شده‌اند و گاه دستینه‌ها، که از ثبت فرمان در دفاتر استیفا و دفتر دیوان اعلیٰ حاکی‌اند، در هم تنیده‌اند که با عبارت «خوانده نشد» یا «ناخوانا» مشخص گردیده‌اند. ذیلاً مُهرها و نوشتجاتی که از زیر نوزده درز بیرون آمده، به ترتیب درزها از راست به چپ، با حفظ رسم الخط معرّفی می‌گردد. همچنین، در هریک از فقرات نوزده‌گانه، مُهرها و طغراها و دستینه‌هایی که در یک درز قرار دارند با علامت

(+) در کنار یکدیگر آمده‌اند:

۱. طغرا با عبارت «در دیوان جنابمستطاب اجل اکرم وزیر دفتر ثبت و ملاحظه شد». این طغرا احتمالاً متعلق است به میرزا (محمد) حسین آشتیانی وزیر دفتر (پانوش ۲۸ و فقرات ۲ و ۱۹ مهر وزیر دفتر) + مهر بیضی شکل ۱۲×۹ میلیمتری به خط نستعلیق با تاریخ حکم مهر (ابوالقاسم \* ۱۳۰۶ق).

\* تاریخ‌ها واضح نیست و چنین خوانده شده است.

۲. مهر بیضی شکل ۱۶×۱۱ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «عبده الراجی محمدحسین». مهر احتمالاً متعلق است به میرزا (محمد) حسین آشتیانی وزیر دفتر. (پانوش ۲۸ و فقرات ۱ و ۱۹ مهر وزیر دفتر)

۳. طغرا با عبارت «در دیوان جنابمستطاب امجد [ناخوانا]» + مهر بیضی شکل ۱۲×۸ میلیمتری به خط نستعلیق با تاریخ حکم مهر «احتشام دفتر \* ۱۳۱۷ق». ظاهراً مهر متعلق است به میرزا غلامحسین خان احتشام دفتر<sup>۲۰</sup>.

۴. طغرا با عبارت «در دیوان جناب جلالتماب اجل امین بقایا ثبت و ملاحظه شد». ظاهراً «امین بقایا» اشاره به محمدحسن خان<sup>۲۱</sup> دارد و این طغرا متعلق به اوست + مهر بیضی شکل ۱۲×۹ میلیمتری به خط نستعلیق با تاریخ حکم مهر «عماد دفتر \* ۱۳۱۷ق».

۵. طغرا با عبارت «[خوانده نشد] جناب جلالتماب [خوانده نشد] دیوان اعلی [همايون ثبت و] ملاحظه شد» + مهر چهارگوش ۱۲×۱۲ میلیمتری به خط نستعلیق با تاریخ حکم مهر

---

(۲۰) در سال ۱۳۱۶ق، سررشته‌داری وزارت وظایف [= وظیفه‌ها و مقرری‌ها] بر عهده میرزا غلامحسین خان احتشام دفتر قرار گرفت و او فرزند میرزا عبدالغنی مستوفی است. (افضل‌الملک، ص ۲۷۴)

(۲۱) محمدحسن خان (۱۲۹۰-۱۳۲۷ق)، پسر ارشد سلطان علیخان (وزیر بقایا و وزیر افخم و فرزند محمدخان سالارالملک) از درباریان مظفرالدین شاه بود. وی از ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ق معاونت پدرش، سلطان علیخان، را بر عهده داشت که، نزد مظفرالدین میرزای ولیعهد، مخصّل محاسبات (رئیس کل وصول و اجرای مالیات معوقه) بود. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه سلطان علیخان، به سال ۱۳۱۳ق، وزیر بقایا شد و محمدحسن خان نایب (معاون) پدر و ملقب به امین بقایا گردید. در سال ۱۳۱۹/۲۰ق، هنگامی که سلطان علیخان (وزیر بقایا) ملقب به وزیر افخم شد و مدیر مجلس دربار اعظم گردید، محمدحسن خان امین بقایا، به جای پدر، وزیر بقایا شد. وی، پس از وفات میرزا عیسی‌خان امین‌الملک پسر بزرگ اسماعیل‌خان امین‌الملک، لقب او را گرفت و به امین‌الملک ملقب گردید (پامداد، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۳ و ج ۵، ص ۲۲۳-۲۲۶؛ سلیمانی، ص ۴۶ و ۲۱۳-۲۱۲). وی، به سال ۱۳۲۷ق در سی‌وهفت سالگی، در تهران کشته شد. (پامداد، ج ۵، ص ۲۲۶، پانوش)

- «مخبرالملک سنه \*۱۳۱۳[ق]». این مُهر احتمالاً متعلّق است به حسینقلی خان مخبرالملک<sup>۲۲</sup>. + «در دفتر جناب مخبرالملک ثبت شد».
۶. مُهر بیضی شکل ۱۱×۱۶ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «سعید بن طاهر ۱۳۱۲[ق] + «ثبت دفتر استیفا شد» [ظاهراً].
۷. مُهر چهارگوش ۱۵×۱۵ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «ناخوانا» [ناخوانا] الموسوی [ناخوانا] \* ۱۳۱۰[ق].
۸. مُهر چهارگوش حدوداً ۱۵×۱۵ میلیمتری به خطّ نستعلیق: «مؤید دفتر».
۹. مُهر چهارگوش حدوداً ۱۶×۱۶ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «بصیرالملک \* ۱۳۱۵[ق] ۲۳ + مُهر چهارگوش حدوداً ۱۵×۱۵ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «ابوالحسن ابن [ناخوانا] ۱۳۱۱[ق]».
۱۰. مُهر چهارگوش ۱۸×۱۸ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «ابن حسینعلی محمدزمان ۱۳۱۱[ق]».
۱۱. مُهر چهارگوش حدوداً ۱۵×۱۵ میلیمتری به خطّ نستعلیق: «ناخوانا».
۱۲. مُهر چهارگوش حدوداً ۱۵×۱۵ میلیمتری به خطّ نستعلیق: «ناخوانا [الملک] + مُهر چهارگوش ۱۷×۱۷ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «افوض امری الی الله محمّدرضابن زین العابدین \* ۱۲۸۲[ق]».
۱۳. مُهر چهارگوش ۱۴×۱۴ میلیمتری به خطّ نستعلیق با تاریخ حکّ مُهر «زین العابدین بن محمود \* ۱۳۱۵[ق]».

۲۲ حسینقلی خان مخبرالملک (۱۲۶۴-۱۳۳۵ق)، فرزند علیقلی خان مخبرالدوله، در سال ۱۳۰۱ق، ملقب به مخبرالملک گشت و، پس از فوت پدر در سال ۱۳۱۵ق، مخبرالدوله را لقب گرفت و لقب مخبرالملکی به برادر بزرگترش میرزا محمّدقلی خان (۱۲۴۴-۱۳۲۹ش) رسید. حسینقلی خان، از سال ۱۳۱۳ق به مدّت ده سال، وزیر تلگراف بود. (← سلیمانی، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ افضل‌الملک، ص ۱۹۲)

۲۳ بصیرالملک، میرزا محمّدطاهر مستوفی کاشانی (۱۲۴۹-۱۳۳۰ق)، مستوفی و ادیب عهد ناصری. وی ابتدا سررشته‌دار بود؛ در سال ۱۲۸۰ق، به مستوفیان دفتر استیفا پیوست و مقام مستوفی یافت. ناصرالدین شاه به او توجه تمام داشت و، در سال ۱۳۱۰ق، لقب بصیرالملک به وی عطا کرد. او، علاوه بر تصدّی مشاغل مهمّ مالی و دولتی، به لحاظ تحقیقات ادبی هم صاحب نام است. (← بامداد، ج ۲، ص ۱۸۵؛ منفرد، ص ۴۸۲-۴۸۴؛ همچنین ← اعتمادالسلطنه، ص ۸۲۲، خاطرات روز چهارشنبه ۲۳ صفر ۱۳۰۸)

۱۴. مُهر چهارگوش ۱۵×۱۵ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «الراجی الی الله ابوالقاسم بن اسدالله» + طغرا [ناخوانا] + مُهر چهارگوش ۱۳×۱۴ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «الراجی الی الله علیرضا ابن محمود» + طغرا [ناخوانا] + طغرا با عبارت «در دفتر جناب وثوق‌الدوله<sup>۲۴</sup> ثبت و ملاحظه شد» + «ملاحظه شد».

۱۵. چهارده پانزده تأییدیه ثبت در دفاتر مستوفیان دیوان که، در جاهایی، فشرده در کنار یکدیگر آمده و گاه در هم تنیده‌اند و خواندن را دشوار کرده‌اند. فقرات خوانده شده: «ثبت [دفتر] محمودخان عمادالسلطان<sup>۲۵</sup> شد» + «ثبت دفتر استیفا شد» + «در دفتر [ناخوانا] صدرالملک<sup>۲۶</sup> ثبت شد» [ظاهراً] + «ثبت دفتر شد».

۱۶. مُهر بیضی شکل ۱۱×۱۶ میلیمتری به خط نستعلیق با تاریخ حکم مُهر «تقی ابن محمدحسین \*۱۳۱۷ق» این مُهر متعلق است به میرزا تقی خان مستوفی<sup>۲۷</sup>، پسر میرزا محمدحسین وقایع‌نگار.

۲۴ حسن وثوق یا میرزا حسن خان وثوق‌الدوله (۱۲۹۰-۱۳۷۰ق / ۱۳۲۹ش)، پسر میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه پسر میرزا محمد قوام‌الدوله پسر میرزا تقی قوام‌الدوله آشتیانی و خواهرزاده حاج میرزا علی خان امین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه و برادر بزرگ احمد قوام (قوام‌السلطنه). وی، در سال ۱۳۱۰ق، به جای پدرش، مستوفی (پیشکار دارائی) آذربایجان شد. در سال ۱۳۱۱ق، به کسب خطاب جنابی نائل آمد و، در سال ۱۳۱۲ق، به لقب وثوق‌الملک و، در ازل سلطنت مظفرالدین شاه (۱۳۱۴ق)، به لقب وثوق‌الدوله ملقب شد. در سال ۱۳۱۷ق، محاسبات خالصجات سرکاری نیز ضمیمه شغلش گردید (← بامداد، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۵۲). او از رجال و سیاستمداران مشهور ایران و نیز از شعرا و منشیان عصر خویش بوده است. پس از مشروطیت، به نمایندگی مجلس و وزارت‌های متعدد رسید. قرارداد معروف ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ش) را با انگلستان منعقد کرد. در سال ۱۳۱۴ش، به ریاست فرهنگستان ایران منصوب گردید (← لغت‌نامه دهخدا، ذیل وثوق‌الدوله). از او دیوان شعری در دست است. (← ساسانی، ج ۲، ص ۳۴۱؛ سلیمانی، ص ۲۱۱)

۲۵ در سال ۱۳۱۵ق، منصب استیفا و وظایف و اوقاف بر عهده میرزا محمودخان عمادالسلطان فرزند سید مصطفی صدرالملک سپرده شد (← افضل‌الملک، ص ۱۸۲). میرزا محمودخان عمادالسلطان در سال ۱۹۰۵ [۱۳۲۳ق] به سمت وزیر وظایف و اوقاف منصوب شد. (← چرچیل، ص ۱۲۸)

۲۶ میرزا سید مصطفی شیرازی، پدر میرزا محمودخان (عمادالسلطان)، از ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۱ق، مستوفی و نایب‌الوزاره اداره وظایف (پیشکار دارایی و معاون وزیر وظایف) گردید. او، در سال ۱۳۰۳ق، به حسام‌السادات و، در سال ۱۳۰۹ق، به صدرالملک ملقب شد. (← بامداد، ج ۴، ص ۱۰۶؛ برای آگاهی بیشتر از خصوصیات شخصی و تخلقی او ← اعتمادالسلطنه، ص ۹۱۸ و ۱۰۲۲ و ۱۱۵۷)

۲۷ در سال ۱۳۱۶ق، منصب استیفاء و برات‌نویسی اطباء حضور همایون و اطباء ولایات ممالک محروسه، به استثنای اطباء نظامی، به میرزا تقی خان مستوفی، پسر میرزا محمدحسین وقایع‌نگار عطا شد. (← افضل‌الملک، ص ۳۵۶؛ سپهر، ج ۱، ص ۳۹۳)



۱۷. تأییدیه ثبت در دفتر: [ناخوانا].

۱۸. مَهر چهارگوش ۱۲×۱۵ میلیمتری به خط نستعلیق «غلام‌حسین بن محمّد».

۱۹. مَهر بیضی شکل ۱۱×۱۶ میلیمتری به خط نستعلیق با تاریخ حکّ مَهر «وزیر دفتر ۱۳۱۰ق»<sup>۲۸</sup>. مَهر احتمالاً متعلّق است به میرزا (محمّد) حسین آشتیانی<sup>۲۸</sup> وزیر دفتر.  
(← فقرات ۱ و ۲)

۲۰. برجسب کاغذی سفید با حاشیه آبی و لبه‌های مُضَرَس تمبرمانند (دستنویس با قلم خودنویس): «فرمان مظفّرالدین شاه / برای میرزا علی‌خان لعلی / ۱۳۱۷»<sup>۲۹</sup>.

### برخی ملاحظات فنی و زبانی و رسم‌الخطی

متن فرمان نمونه‌ای از نثر مصنوع و متکلف قاجاری است. در ترکیب‌بندی فرمان، هر سه رکن مرسوم رعایت شده است. دو سطر اوّل رکن مطلع یا مقدمه، جولانگاه منشیان برای نمایش فصاحت زبانی و قلم‌فرسایی‌های ادبی است. ادامه متن به رکن کلام یا رکن حال اختصاص یافته که به سیاقی ساده‌تر اما بلیغ نگاشته شده است. رکن خاتمه یا فاتحه مشتمل است بر تذکرات لازم در ثبت سند و تاریخ صدور آن که در همان سطر آخر آمده است.

در متن و حواشی آن، همچون دیگر متون عصر قاجار و پیش از قاجار، شیوه ادبیات فرمان‌نویسی اختیار شده و عمدتاً از عبارات کلیشه‌ای و لغات و ترکیبات مصطلح درباری و دیوانی همان دوره سرشار است. از نگاهی دیگر، فخامت زبانی و کیفیت و تشخّص ادبی آن، هرچند افراطی و مغلق، تحسین‌برانگیز است.

۲۸. میرزا (محمّد) حسین آشتیانی، فرزند بزرگ میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر. وی، در اواسط سال ۱۲۹۶ق، به نیابت وزارت دفتر (معاونت وزارت دارایی) - پدرش از سال ۱۲۹۰ق وزیر دفتر (وزیر دارایی) شده بود - منصوب گردید. او، پس از وفات میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر در سال ۱۳۱۰ق، به مقام وزارت دفتر رسید (← بامداد، ج ۳، ص ۳۷۲-۳۷۳؛ سلیمانی، ص ۲۱۳-۲۱۴). وزارت دفتر استیفاء، بار دیگر به موجب صدور دستخط مبارک همایونی در محرم ۱۳۱۴، بر عهده میرزا محمّدحسین آشتیانی سپرده شد (← افضل‌الملک، ص ۷۸-۷۹). وی در ۱۱ ذیحجه ۱۳۱۶ نیز، عهده‌دار وزارت مالیه (وزارت دفتر) شد. (برای جزئیات بیشتر ← همان، ص ۳۵۴-۳۵۶؛ سپهر، ص ۳۶۷)

۲۹. این برجسب جدید است و حدوداً چهل سال قبل، به عنوان شناسه، بر ظهر فرمان الصاق شده است.

شیوهٔ املائی این فرمان نمونه‌ای است از کتابت مرسوم و متعارف زمان خود و گرایش به پیوسته‌نویسی. نمونه‌هایی از آن است:

بتصویب (= به تصویب)، بصیغه (= به صیغه)، بمراسم (= به مراسم)، بموجب (= به موجب)، بجنابمستطاب (= به جناب مستطاب)، بدفترخانه (= به دفترخانه)، اینشغل (= این شغل)، باو (= به او)، اینفرمان (= این فرمان) و نیز سرهم‌نویسی جنابمستطاب (= جناب مستطاب)، فی شهر (= فی شهر) و جهانمطاع (= جهان مطاع).

کاربرد تنوین عربی به عنوان پسوند قیدساز مثل تلگرافاً؛ املائی همیون به جای «همایون»، خدمتگذاری به جای «خدمتگزاری»، و املائی عربی برآه به جای «براه» در خور توجه است. (دربارهٔ اصطلاح دیوانی برات ← انوری، ذیل همین مدخل)

نمونه‌ای از ترکیبات مرسوم دوره در این فرمان است: کوکب فتح و ظفر، فخامت نصاب، آفتاب ظهور، خجسته دلیل، و جهان مطاع.

## منابع

- ابراهیمی، زهرا، «حکیم‌الملک»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۱، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۹۲، ص ۲۴۵-۲۴۷.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، روزنامهٔ خطرات اعتماد السلطنه، با مقدمهٔ ایرج افشار، امیرکبیر، تهران ۱۳۴۵.
- افشار، ایرج، چهل سال تاریخ ایران در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۱: المآثر والآثار، محمدحسن بن علی اعتماد السلطنه با تعلیقات حسین محبوبی اردکانی، اساطیر، تهران ۱۳۶۳.
- افشار مهاجر، کامران و سمر کلهر، «بررسی بصری طغرا و مهرهای سلطنتی ایران (ایلخانان - قاجار)»، نشریهٔ هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دورهٔ ۱۷، ش ۳ (۱۳۹۱).
- افضل الملک، غلامحسین، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۱.
- انوری، حسن، اصطلاحات دیوانی دورهٔ غزنوی و سلجوقی، کتابخانهٔ طهوری، تهران ۱۳۵۵.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، انتشارات زوار، تهران ۱۳۵۷.
- پورصدری، احمد، «العلی، علی»، دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی، ج ۵، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۳، ص ۵۹۶-۶۰۱.
- جدی، محمدجواد، مَهر و حکاکِ در ایران، فرهنگستان هنر، تهران ۱۳۸۷.

چرچیل، جورج پ.، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه و تألیف غلامحسین میرزاصالح، انتشارات زرّین، تهران ۱۳۶۹.

ساسانی، خان‌ملک، سیستگران دوره قاجار (دوره کامل)، انتشارات بابک، تهران بی‌تا.  
سپهر (ملیک‌المورّخین)، عبدالحسین خان، مرآت الوقایع مظفّری و یادداشت‌های ملّک‌المورّخین، به تصحیح و با  
مقدمۀ عبدالحسین نوایی، انتشارات زرّین، تهران ۱۳۶۸.

سلیمانی، کریم، القاب رجال دوره قاجاریه، نشر نی، تهران ۱۳۷۹.  
شعبانی، علی، هزار فامیل، انتشارات بوعلی، تهران ۱۳۷۰.  
شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، «نحوست تربیع و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی ایران»، نامۀ بهارستان،  
سال ۸ و ۹، ش ۱۳ و ۱۴، تهران ۱۳۸۶-۱۳۸۷.

قائم‌مقامی، جهانگیر، مقدمه‌بی‌برشناخت اسناد تاریخی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی (۸۴)، تهران ۱۳۵۰.  
کریمیان، علی و زهرا میرزایی پری، تمّش‌های اسناد آرشیوی ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری  
اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۸.

گلبن، محمّد، «حسین نخجوانی تبریزی و آثار قلمی او»، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمّد  
نخجوانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۶.  
علی (شمس‌الحکماء)، علی، کلیّات دیوان لعلی (دو جلد)، چاپ چهارم، با مقدمۀ محمّدعلی صفوت،  
شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، تبریز ۱۳۲۲.  
لغت‌نامه دهخدا.

مدرّس، علی‌اصغر، «یاد دوست»، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمّد نخجوانی، انجمن آثار و  
مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۶.

مصدّق، محمّد، خاطرات و تألمات مصدّق، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۵.  
منفرد، افسانه، «بصیرالملک»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، تهران ۱۳۷۶.  
نخجوانی، حسین، «زندگانی و شخصیت شمس‌الحکما میرزا علیخان لعلی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم  
انسانی تبریز، سال ۱، ش ۸، مسلسل ۳۶ (بهار ۱۳۳۵)، ص ۳۴-۴۳.

□



تصویر فرمان مظفرالدین شاه برای میرزا علیخان لعلی (شمس‌الحکماء)، ۱۳۱۷ ق  
(از مجموعه خصوصی زنده‌یاد حسن مصریان)